

بوی پیراهن یوسف



«بوی پیراهن یوسف» از دیگر تجربه‌های «مجید انتظامی» در ساخت موسیقی فیلم است. کارگردان این اثر «ابراهیم حاتمی‌کیا» است و موسیقی آن از علاقه‌های خود «انتظامی»: «من با یوسف پرواز می‌کردم، قضیه آن قدر جدی بود که برایم کار نبود. موسیقی وقتی به ذهن شما می‌آید، قالب ندارد. چیزی گسترده و معلق در فضا است و شما با آن پرواز می‌کنید. وقتی مداد به دست می‌گیرید، قالب پیدا می‌کند؛ یعنی تمامش می‌رود و یک ملودی می‌ماند و باید سعی کنید آن فضا را با سازهای دیگر تا حدودی پیاده کنید. نمی‌توانید کاملاً پیاده‌اش کنید به همین خاطر می‌گویم پرواز می‌کنم چون هنوز که من آن موسیقی را می‌شنوم، آن را در آن حالت می‌شنوم.»

روز واقعه



«روز واقعه» نوشته «بهرام بیضایی» و کارگردانی «شهرام اسدی» یکی از موفق‌ترین آثاری است که تاکنون درباره قیام عاشورا ساخته شده است؛ اما «روز واقعه» را باید حاصل تلاش‌های بیضایی، اسدی و انتظامی دانست. موسیقی در این اثر یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار است و نمی‌توان فیلم را بدون موسیقی شاخص آن تصور کرد.

آژانس شیشه‌ای



«آژانس شیشه‌ای» دیگر همکاری انتظامی با حاتمی‌کیا، فیلم بعدی بود که برای انتظامی، سیمرغ بلورین به ارمغان آورد. این اثر ۱۶

قطعه با نام‌های نامه‌ای به فاطمه، پرواز، بحران، وادع با کاظم، دیدار، انقلاب درون، راز دل، بازگشت، به سوی او، در تاریکی، به دنبال قربانی، وصیت، ظلمت، انفجار، به یاد فاطمه و پلاک است و نوازندگان نام‌داری چون «خاچیک بابایان»، «ارسلان کامکار» و «ابراهیم لطفی» در آن نواخته‌اند.

غصه‌های مجید

شاگردان مجید انتظامی

با ساخت قطعه‌ای ۷۴ سالگی او را جشن گرفتند



اما انتظامی به عنوان نوازنده و بعدتر رهبر ارکستر، نقشی اساسی در احیای ارکستر سمفونیک ایفا کرد و در این راستا به همراه تعداد دیگری از نوازندگان با آیت‌الله بهشتی نیز دیدار کرد. در تاریخ چهل و چند ساله‌ی ارکستر سمفونیک در بعد از انقلاب، این ارکستر قطعات و سرودهای انقلابی بسیاری را اجرا کرده است که بسیاری از آنان به واسطه‌ی پخش شدن از تلویزیون، به گوش عامه‌ی مردم رسیده است؛ اما آلبوم «حماسه ایران، سرود شهیدان» به آهنگسازی انتظامی، نخستین اثر تولیدی این ارکستر در اعلام همبستگی با حرکت مردم بود. اتفاقی که این آهنگ‌ساز درباره‌اش می‌گوید: «من «حماسه ایران، سرود شهیدان» را با حضور اعضای ارکستر سمفونیک ضبط کردم. هیچ کدام از اعضا پولی نگرفتند و کرایه استودیو را هم خودم دادم. شعر این کار را علینقی حکمی سرود، خوانندگی‌اش را حسین سرشار انجام داد و گروه کر کنارش بودند. دکلمه‌اش هم بر عهده فرزانه تایییدی و پدرم عزت‌الله انتظامی بود. این نخستین اثری شد که ارکستر سمفونیک مشخصاً برای نشان دادن همراهی خود با انقلاب و خواست عموم مردم ساخت. بعد از آن بود که تصمیم گرفتم وقایع سیاسی دوران خود را در قالب موسیقی بیان کنم و به فکر ساختن «سمفونی خرمشهر» افتادم.»

او زمانی شروع به نوشتن سمفونی «خرمشهر» کرد که این شهر هنوز در اشغال عراقی‌ها بود؛ روایت انتظامی از خلق این قطعه را بخوانید: «یکی از دوستانم، محمد فرنود که خودش عکاس جنگ بود، به من گفت کار خیلی خوبی است و حتما پیگیری‌اش کن. آن موقع من هیچ چیز نداشتم؛ نه پیانو، نه دستگاه ضبط صدا و نه هیچ چیز دیگر. فرنود ولی داشت. یک سینتی‌سایزر کوچک داشت. آن را به من داد تا بتوانم تم‌هایم را رویش بنرم و خودش با آقایی به نام شکوهی که آن زمان رئیس وقت شورای نظارت و ارزشیابی مرکز سرودها و آهنگ‌های انقلابی بود، صحبت کرد. بعد

حرفه شده است، هر چند از همان دهه ۴۰ که آقای بازیگر در تئاتر سعدی کار می‌کرد مدام در کنارش بود؛ اما او از همان ابتدا به «موسیقی» علاقه‌مند بود. در خاطراتش گفته در تئاترهای لاله‌زار گاهی اوقات برای جذب تماشاگر نمایش‌های موزیکال اجرا می‌شد و تماشاگر کسانی که در این نمایش‌ها ساز می‌زدند برایش جذابیت بیشتری داشته است.

او در ۶ سالگی تصمیم می‌گیرد تا نوازنده‌ی ویولون شود؛ اما «عزت‌الله انتظامی» از او می‌خواهد تا ابتدا تصدیق ششم‌اش را بگیرد و بعد از آن سراغ هر سازی برود که می‌خواهد. استادان هنرستان موسیقی ساز «ابوا» را برای او انتخاب کردند. در آن زمان، هنرستان چند ابوا داشت که ترک خورده بودند و خیلی سخت می‌شد با آنها ساز زد، «مجید انتظامی» و دیگر هنرجویان این ساز، با موم عسل، شکاف‌ها را پر می‌کردند تا صدای آن درآید. خودش درباره‌ی آن دوران گفته است: «در دوره‌ی ابتدایی شروع به فراگیری موسیقی کردم و بعد وارد هنرستان شدم. یک سال بعد از گرفتن دیپلم از هنرستان وارد ارکستر سمفونیک شدم. زیر نظر آنتوان کاتلوس ابوا یاد گرفتم و سلفژ و تئوری و هارمونی را نزد ثمین باغچه بان و مصطفی کمال پورتراب یاد گرفتم. بعد از گرفتن دیپلم هنرستان به دلیل معالجه نارسایی کلیه‌ام به آلمان سفر کردم و چون باید چندسالی را زیر نظر پزشک می‌بودم، تصمیم گرفتم در آلمان به دانشگاه بروم. چهار پنج سالی آلمان بودم و در آنجا با ساز ابوا با ارکسترهای زیادی از جمله ارکستر سمفونیک برلین کنسرت دادم. تجربه بسیار خوبی بود و بعد از بازگشت به تهران به عنوان نوازنده یک ارکستر سمفونیک تهران استخدام شدم.»

از حماسه‌ی ایران تا سمفونی خرمشهر و سمفونی مقاومت

در همان روزهاست که شروع به تدریس ابوا و همچنین نوشتن قطعاتی برای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می‌کند؛

سما بابایی

روزنامه نگار

اسفندماه مصادف است با هفتاد و چهارمین سالروز میلاد «مجید انتظامی» و امسال شاگردانش قطعه‌ای را با نام «غصه‌های مجید» ساختند و درباره‌اش نوشتند: «این قطعه ادای احترامی است به مجید انتظامی که با خلق موسیقی‌های فیلم گوناگون و اثرگذار در سینمای ایران، شنوندگان زیادی را مجذوب موسیقی سازمحور کرده است و با ملودی‌های جادویی و ماندگار خود در روند تغییر و پیشرفت فرهنگ شنیداری شنوندگان تلاش بسیار کرده است.»

«مجید انتظامی» یکی از برجسته‌ترین آهنگسازان بعد از انقلاب سینمای ایران است که نامش به آثار جاودانه‌ای گره خورده است که در ذهن بسیاری ماندگار شده است. این درست همان نقطه‌ی قوت «انتظامی» است؛ چراکه او از معدود آهنگ‌سازانی است که با وجود آن‌که، در زمینه‌ی موسیقی باکلام فعالیت نداشته است، اما آثارش توانسته با مردم عجین شود. کسی هست که آن سوت خاطره‌انگیز «از کرخه تا راین» را نشنیده باشد یا این‌که موسیقی بچه‌های آلپ از ذهنش رفته باشد؟ به این سیاه می‌توان لیست آثار بسیاری دیگر را نیز اضافه کرد: روز واقعه، دول، آژانس شیشه‌ای، ترن و خیلی آثار دیگر را. «انتظامی» البته همان قدر که آهنگ‌سازی تواناست، نوازنده‌ای قابل در ساز ابوا هم هست، هر چند که نوازندگی‌اش همواره زیر سایه‌ی آهنگ‌سازی‌اش باقی ماند.

داستان ابواهای شکسته

با وجود آن‌که او در خانواده‌ای به دنیا آمد که غولی چون «عزت‌الله انتظامی» در آن می‌زیست، اما علاقه‌ی او از همان ابتدا به موسیقی بود. شاید هم اگر او به دنیای تئاتر یا سینما می‌پی‌گذاشت، همواره این اتهام متوجه‌اش بود که به خاطر پدرش وارد این